



شماره ثبت: ۲۴۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲.....	مفهوم شناسی غیبت
۲.....	مرور گذشته
۲.....	تکمله مبحث دوازدهم
۲.....	مبحث سیزدهم: تعارض سوء شرعی و عرفی
۲.....	بیان عیب شرعی در جامعه‌ی غیر اسلامی
۳.....	تفاوت سوء شرعی و عرفی
۳.....	بیان عیب عرفی ولی مجاز شده شرع
۴.....	مبحث چهاردهم: نسبت انواع دلالت‌های کلام بر اسناد عیب



شماره ثبت: ۲۴۸۲

مفهوم شناسی غیبت

مرور گذشته

در مبحث دوازدهم، شمول دایره عیب بررسی شد. اینکه عیب شامل عیوب اخلاقی، دینی، جسمی، بدنی، متعلقات شخص می‌شود.

البته در متعلقات گاهی عیب شخص حساب می‌شود و گاهی حساب نمی‌شود. اگر متعلقات ذی‌شعور باشند دو گناه انجام شده است.

تکمله مبحث دوازدهم

منظور از عیب شرعی، ترک واجب، انجام معصیت و گناه است.

اکنون باید ببینیم ترک مستحب و انجام مکروه چه حکمی دارد. مثلاً بگوییم که فلانی نماز شب را نمی‌خواند و یا فلان مکروه را انجام می‌دهد.

مبحث سیزدهم: تعارض سوء شرعی و عرفی

بیان عیب شرعی در جامعه‌ی غیر اسلامی

در جامعه غیر اسلامی، یک عیب شرعی را عیب نمی‌دانند. در اینجا به نظر می‌رسد که حکم حرمت است. همان‌طور که بیان کردیم عیب شرعی مطلق است. تا وقتی شارع می‌گوید این امر بد و عیب است، شامل غیبت می‌شود. موضوع غیبت طبق آنچه در روایات آمده است، سوء و عیب است. این عیب نیز شرعی و غیر شرعی است. مادامی که عیب، عیب باشد، ذکر آن غیبت می‌شود.

تفاوت سوء شرعی و عرفی

سوء شرعی به طور مطلق عیب است. البته ممکن است عناوین ثانویه‌ای باشد که آن عیب به حساب نیاید. سوء عرفی به طور مطلق عیب نیست. ملاک اینجا قضاوت عرفی است. سوء و عیب شرعی، تابع شرایط و زمان و مکان نیست. اما عیب عرفی تابع شرایط و زمان و مکان است.

جمع بندی

ذکر عیوب شرعی در جامعه غیر اسلامی نیز شامل حکم غیبت است. البته اگر کسی ملاک را «یکره» قرار بدهد، غیبت در اینجا شامل نمی‌شود. اگر کسی این قید را قبول کند، از حیث غیبت، عنوان منتفی است.

شارع بعضی از عیوب را خود پایه‌گذاری می‌کند، حتی اگر مخالف تمام عرف‌ها باشد. در نتیجه اگر عیب را قید غیبت بدانیم، قطعاً در اینجا نیز شامل غیبت می‌شود.

بیان عیب عرفی ولی مجاز شده شرع

گاهی نیز قضیه بالا برعکس می‌شود. گاهی عرف چیزی را بد می‌شمارد، ولی شارع آن را عیب به حساب نیاورده است. این امور بر دو قسم است.

الف) گاهی در اموری است که شارع حرفی به میان نیاورده است و آن را منع نکرده است، ولی عرف آن را بد می‌داند.

ب) گاهی نیز شرعاً دلیل جواز وجود دارد ولی عرف آن را بد می‌داند. مثل متعه یا حجاب شرعی که در جامعه امروزی، عیب دانسته می‌شود.

در قسم دوم، سوء شرعی و عرفی با هم تعارض پیدا می‌کنند. بر اساس ملاکات می‌توانیم نتیجه بگیریم که در تعارض، باید شرع را مقدم بدانیم.

البته اگر کسی قید «یکره» را قبول کند، در این فروع تفاوت‌هایی حاصل می‌شود. اگر کسی ناراحت بشود ولی امری است که شرع آن را مجاز دانسته است، بعید است که شامل غیبت بشود.



شماره ثبت: ۲۴۸۲

مبحث چهاردهم: نسبت انواع دلالت‌های کلام بر اسناد عیب

غیبت یعنی کلامی که در آن اسناد عیب به دیگری است. اسناد نقص و عیب به دیگری است. اسناد نقص به دیگری بر چند قسم است:

۱. گاهی با دلالت مطابقی اسناد نقص می‌دهد.

۲. گاهی با اشاره و کنایه و دلالت‌های التزامی اسناد نقص می‌دهد.

به نظر می‌رسد که غیبت، قسم دوم را شامل می‌شود. زیرا قول اعم از مطابقی و کنایی است. حتی گاهی کنایه ابلغ از تصریح است. منظور از دلالت التزامی، دلالت التزامی بین به معنای اخص است. اگر دلالت‌های غیر بین باشد که باید با مقدمات عقلی آن را بسنجیم، بعید است که شامل غیبت بشود. مثلاً تحلیل محتوایی یک سخنرانی. تحلیل محتوا یک روش است. تحلیل محتوا، یک ظن و گمان است. گاهی عرف از تحلیل محتوا، امری را متوجه نمی‌شود.

البته باید بگوییم که اگر خود شخص عمداً این نوع بیان را داشته باشد و مخاطب آن نیز با تأمل و زیرکی از بیان یا اشاره این مطلب را متوجه بشود، شامل غیبت می‌شود.